

انطباق شاخص‌های نظام کاشت در باغ ایرانی با معیار ماندگاری

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

کد مقاله: ۵۸۰۹۱

سحر رحیمی*^۱، سونیا امجدیان^۲

چکیده

باغ ایرانی به‌عنوان جلوه‌ای از منظر ایران، مانند افکار، باورها و فرهنگ انسان ایرانی-اسلامی را در طول تاریخ، در خود منعکس کرده است. این الگوی باغ‌سازی دارای مشخصه‌هایی است که آن را در طول تاریخ از سبک‌های دیگر باغ‌سازی دنیا متمایز کرد است. یکی از این مشخصه‌ها نظام کاشت در باغ ایرانی است. سایه درختان مناطق گرم و خشک و وسیع سرزمین ایران را مانند بهشتی قابل تحمل و حتی مطلوب می‌کند و این می‌تواند احترام ایرانیان را به درختان و گیاهان تشدید کند. به شاهد نمونه‌های تاریخی از قدیمی‌ترین نمونه آن در پاسارگاد تا دوره معاصر، گیاه حضور جوهری داشته و از عوامل هویت باغ ایرانی به حساب می‌آمده است؛ هرچند نمود ظاهری نظام کاشت و ماهیتش در باغ ایرانی به‌عنوان محصول تعامل انسان با محیط به فراخور زمان تغییر کرده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی چگونگی انطباق شاخص‌های نظام کاشت در ماندگاری باغ ایرانی در دوران معاصر بوده است. برای رسیدن به این هدف، در ابتدا باغ ایرانی و مفهوم ماندگاری تعریف شده و معیارهای آن استخراج شد تا الگوی نظری پژوهش شکل بگیرد. در واقع ماندگاری باغ ایرانی از گذشته تا به امروز و در اشکال مختلف آن، که شامل معیارهای عملکردی، اقلیمی، فرهنگی-اجتماعی و معنایی-زیبایی‌شناسی بوده با شاخص‌های نظام کاشت که از مطالعات حاصل آمده‌اند در باغ ایرانی انطباق داده شد. برای رسیدن به این اهداف، از ترکیب روش‌های تحقیق توصیفی-تحلیلی و تاریخی استفاده شده است. روش‌های جمع‌آوری اطلاعات نیز به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بوده تا شناخت جامعی از باغ ایرانی، ماندگاری و نظام کاشت صورت بگیرد. روش ارزشیابی اطلاعات با توجه به محتوای مطالب به‌صورت کیفی بوده و نتایج از طریق روش تحلیلی-استقرایی حاصل شدند. بر این اساس به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده شده و نتیجه نهایی حاصل آمد که استفاده از گیاهان در باغ ایرانی ابزاری نبوده و داشتن پیوند ذهنی و قائل شدن نقش معنایی برای آن عامل ماندگاری باغ ایرانی بوده است؛ چراکه درختان در باور ایرانیان چه در دوران قبل از اسلام و چه بعد از آن، نماد جاودانگی و دارای نقش بهشتی و معنایی بوده و به باغ حیات بخشیده است.

واژگان کلیدی: باغ ایرانی، ماندگاری، نظام کاشت، پایداری منظر

۱- کارشناس ارشد معماری، saharrahimi4000@gmail.com

۲- دکترای تخصصی معماری، گروه معماری موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی جهاد دانشگاهی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

باغ ایرانی محصول تعامل تمدن ایرانی با جغرافیای طبیعی ایران است و همواره در فرهنگ و هویت این سرزمین جایگاه مهمی داشته و براساس اصول و معیارهای خاصی شکل گرفته است. این اصول نیز از تعامل انسان با محیط زندگی‌اش در طول تاریخ و در بستر جغرافیایی خاص ایران نشئت گرفته‌اند. از میان این اصول می‌توان به وجود هندسه حاکم بر ساختار باغ، نظام آب، نظام کاشت و محصوریت به‌عنوان شاخص‌های اصلی و متمایزکننده باغ ایرانی از سایر باغ‌های تاریخی جهان اشاره کرد. در طول تاریخ و در شرایط مختلف جغرافیایی باغ ایرانی با توجه به نوع کاربری‌اش، شکل‌های مختلفی به‌خود گرفته است. با این وجود این اصول مانند جوهره‌ای ذاتی در آن ثابت مانده‌اند؛ زیرا باغ ایرانی نمود عینی ذهنیت انسان ایرانی نسبت به فضا و طبیعت است. انواع گیاهان در باغ تجلی طبیعت‌اند که در رابطه با سلیقه و خواست انسان و شرایط اقلیمی به نظم کشیده شده‌اند. همین امر بر اهمیت شناسایی همه‌جانبه باغ ایرانی و شناسایی عوامل ماندگاری‌اش به‌عنوان یک محصول فرهنگی تأکید می‌کند. پس از آب «درخت» در آفرینش و شکل‌دهی باغ ایرانی سهم ویژه‌ای داشته است. اهمیت دادن به عنصر درخت در فرهنگ و با توجه به اقلیم ایران تا جایی بوده که در دوران هخامنشیان خدای امرتات را محافظ و حاکم بر گیاهان و درختان می‌دانستند. درخت سرو را که درخت مقدس فلات ایران است، می‌توان دید. این درخت به قدری با شکوه و زیبا بود که محافظی همیشگی را برای نهبانی از این درخت در آنجا می‌گماردند. در سرزمینی که مناطق گرم و خشک سطح وسیعی از آن را در بر گرفته و همواره با خشکی و کم‌آبی روبرو بوده است؛ سایه و رطوبت درختان از تبخیر بیش از حد آب جاری در کانال‌ها و از ورود طوفان‌های کویر به باغ جلوگیری می‌کند و با ایجاد مکان مناسب برای افراد، آن‌ها را از گرمای خورشید محافظت می‌کند. لذا اهمیت درخت در حیات‌بخشی مشهود است. این اهمیت در معنادادن به محیط نیز قابل‌بررسی است زیرا درخت به‌عنوان امر بهشتی، نماد جاودانگی و عنصری مقدس بوده که در دوران قبل از اسلام و بعد از آن در میان باغ ایرانی حضور می‌یابد و نقش آن در آثار گوناگون به جای مانده است. هدف این پژوهش انطباق شاخص‌های نظام کاشت در باغ ایرانی با معیار ماندگاری بر مبنای این فرضیه است که حضور درختان و گیاهان در باغ ایرانی به‌عنوان یک سنت دیرپا علاوه بر زیانموندن محیط، پایدارنمودن باغ و سازگاری با محیط، موجب معنابخشی در طول زمان‌ها نیز شده است. در راستای رسیدن به هدف پژوهش، ماندگاری و نظام کاشت در باغ ایرانی تعریف شده، شاخص‌ها و اصول آن‌ها استخراج شده و از انطباق آن‌ها با یکدیگر نقش نظام کاشت در باغ ایرانی با معیار ماندگاری بررسی و ارزیابی می‌شود.

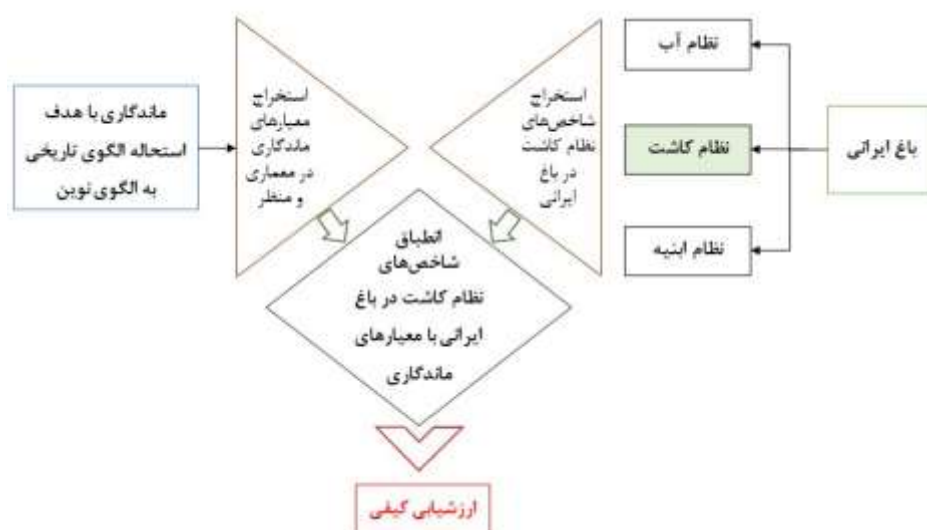
۲- پیشینه تحقیق

پیشینه این پژوهش از دو جنبه با توجه به متغیرهای اصلی آن که شامل «باغ ایرانی» و «ماندگاری» می‌شود قابل بررسی است. در زمینه ماندگاری در معماری ایران تحقیقات اندکی صورت گرفته است که خود دلیل انجام این پژوهش به حساب می‌آید. در این زمینه کتاب «معماری و راز جاودانگی» اثر (الکساندر، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۲۱) قابل طرح است. او شرط لازم برای معماری خوب راه رسیدن به فضاهایی زنده و سعادت‌بخش و جاودانه، شناخت زندگی انسان و کیفیت بی‌نام می‌داند و آن‌چه را که مایه جاودانگی است، دست‌یافتن به الگوهای مشترکی می‌داند که متعلق به مکان خاصی نیستند؛ بلکه در همه‌جای جهان ماندگار و جاودانه‌اند. همچنین در زمینه ماندگاری در معماری می‌توان به مقاله‌ای تحت عنوان «جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم» اشاره کرد که در آن، حضور عنصر معنویت به عنوان مظهر جاودانگی مطرح شده است نگاره‌های معنوی می‌توانند تصور ذهنی به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند و حس تعلق به محیط و فضا را در وی به وجود آورد. از این رو وجود معنای خاص و بالخصوص انگاره‌های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله‌ها تا روستاها و شهرها و کلانشهرها، می‌تواند زمینه‌ساز ماندگاری و جاودانگی محیط و فضا و بروز مکان ماندگار گردد. در واقع معنا و انگاره‌های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی و تأکید بر منافع عمومی و عناصر روحانی در نهایت به ارزش‌های جامعه توجه خواهند کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می‌شود. به این ترتیب مکان نه تنها در یک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می‌گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسان‌ها و ارتقای روحانی آن‌ها خواهد شد (پورجعفر، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۴). معماری چیزی را ماندگار و ستایش می‌کند، از این رو جایی که چیزی برای ستایش وجود نداشته باشد؛ معماری هم نمی‌تواند وجود داشته باشد (پالاسما، ۱۳۸۵: ۱۹). مقاله‌های دیگری نیز با عنوان «مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر» (شفیعان‌داریانی و همکارانش، ۱۳۹۳: ۵۰-۳۲) و در مقاله «بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان»، پدیده‌های ماندگار در طول زمان طولانی، می‌مانند و بار می‌گیرند و بخشی از خاطرات جمعی می‌شوند. به این ترتیب توجه به انگاره‌های سبب‌ساز ماندگاری فضا، که معنا و انگاره معنوی آن یکی از آن‌هاست؛ باعث می‌شود که حس تعلق به فضا بیشتر شود. در این حالت فضا دارای زمان دیگری غیر زمان حال می‌شود. تجربه فضا برای استفاده‌کننده دلپذیرتر و قدرت تأثیرگذاری فضا نیز تقویت می‌شود و به تبع آن مکان فرصت بروز می‌یابد؛ به‌واقع از دیدگاه این پژوهش، چنین مکانی ماندگار و جاودانه است (پورجعفر و همکارانش، ۱۳۸۷: ۱۰). مهندس نقره‌کار (نقره‌کار و همکارانش، ۱۳۸۸:

۴۴-۳۱) نیز در مقاله‌ای با عنوان «راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا، فرانویگرا و رویکردهای فراگیرتر)» برای بررسی جاودانگی، پس از بررسی واژه‌های مطرح در این حوزه و شناخت مفاهیم هریک از آن‌ها، تعاریف ارائه شده از یک اثر جاودان مطرح را مورد ارزیابی و نقد قرار داده است. در انتها اصول بدست آمده، با دیدگاه مرحوم پیرنیا در خصوص معماری ایران مورد مقایسه و ارزیابی قرار گرفته است. مهندس نقره‌کار، «اصول پیرنیا» را مایه جاودانگی مطرح نموده‌اند؛ چراکه هم به طبیعت و صفات خداوند توجه شده است و هم این که بومی و سنتی‌اند. با بررسی ادبیات موضوعی موجود، می‌توان نتیجه گرفت هنوز تعریف جامعی از «ماندگاری» ارائه نشده و مرزبندی مشخصی بین این واژه و واژه‌هایی مانند «پایداری» که دارای قرابت معنایی هستند صورت نگرفته است. حتی در مواردی نیز برداشت‌های ضد و نقیضی از این مفهوم ارائه شده است. یکی از اهداف فرعی این پژوهش تعریف جامعی از ماندگاری در معماری منظر با توجه به ماهیت پویای این پدیده است. در خصوص باغ ایرانی نیز می‌توان گفت در سال‌های اخیر تحقیقات مناسبی در این زمینه در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله صورت گرفته که هر کدام به کلیات یا جنبه‌های خاصی از آن می‌پردازد. رویکردهای بررسی باغ ایرانی در این پژوهش‌ها متنوع بوده و شامل طیف وسیعی از رویکردهای باستان‌شناسی (استرونواخ، ۱۳۷۹)، تاریخی (خوانساری و همکارانش، ۱۳۸۳؛ ویلبر، ۱۳۸۳)، عرفانی، فلسفی-معنایی (اردلان و بختیار، ۱۳۸۰؛ فلامکی، ۱۳۸۹؛ شیبانی، ۱۳۹۱) تا روانشناسی (دیبا و انصاری، ۱۳۷۸ الف و ب) می‌شود. دسته دوم مطالعات نیز، به عناصر و نظام‌های موجود در باغ ایرانی می‌پردازند که از میان آن‌ها می‌توان به رساله انصاری (۱۳۷۸) اشاره کرد. در این رساله به عوامل و دیدگاه‌های فلسفی شکل‌گیری باغ ایرانی و گونه‌شناسی باغ به‌طور مفصل پرداخته شده است. کتاب پارادایم‌های پردیس (شاهچراغی، ۱۳۸۵) نیز از این دست مطالعات است. دسته سوم پژوهش‌ها نیز به نمونه‌های موردی باغ ایرانی می‌پردازند که یکی از جامع‌ترین آن‌ها کتاب باغ فین است (جیحانی و عمرانی، ۱۳۸۶). در هر سه دسته این مبانی موجود، به «نظام کاشت» نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های باغ ایرانی پرداخته شده است ولی آنچه بازاندیشی باغ ایرانی در این پژوهش را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، فراتر رفتن از توصیفات این پدیده و تحلیل و تدقیق نظام کاشت در ماندگاری باغ ایرانی است که تاکنون مورد ارزیابی کافی قرار نگرفته است.

۳- روش تحقیق

با توجه به موضوع، پژوهش حاضر از نوع کاربردی و ترکیبی از تحقیقات توصیفی - تحلیلی با تکنیک تحلیل محتوای متن و مقایسه‌ای تطبیقی می‌باشد که در آن روش، داده‌ها ماهیت کیفی دارد و برای جمع‌آوری اطلاعات به شکل کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی استفاده می‌شود تا شناخت جامعی از مفهوم ماندگاری، باغ ایرانی و نظام کاشت در آن صورت بگیرد. همان‌طور که در شکل ۱ بیان شده است، ابتدا معیارهای ماندگاری از ادبیات موضوعی موجود خلاصه‌سازی شده و طبقه‌بندی شدند، سپس شاخص‌های نظام کاشت در باغ ایرانی با توجه به مبانی نظری موجود استخراج شده و در مرحله بعد با هم انطباق داده شده و مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. روش ارزیابی اطلاعات به‌صورت کیفی بوده و نتایج از طریق روش توصیفی - تحلیلی حاصل می‌شود (یاراحمدی و همکارانش، ۱۴۰۱: ۷).



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق (مأخذ: نگارنده، ۱۴۰۳)

۴- مبانی نظری

۴-۱- باغ ایرانی

در گستره فرهنگ و هنر ایران زمین، باغ، به عنوان میراث ارزشمند پارسی، آینه‌ای است که خیال خلاق و دست توانای مردم این سرزمین را پیش چشم می‌آورد. حامل مفاهیمی مرتبط با فرهنگ سنتی ایرانی است و تأمل در مفهوم آن ما را با ساحت گسترده ای از معانی بکر و اصیل فرهنگ ایرانی روبرو می‌کند (امجدیان و عمرانی‌پور، ۱۳۹۱). باغ ایرانی مجموعه‌ای زیبا از نظام‌های کالبدی، گیاهان، آب و هندسه آرام است. باغ‌سازی در ایران به دلیل شرایط خاص اقلیمی و نظام آبیاری بسیار مورد توجه بوده است (مهربانی‌فر و همکارانش، ۱۴۰۰: ۹-۱). باغ ایرانی یکی از شاخص‌ترین کهن‌الگوهای معماری ایرانی است که حاصل بینش جریان محور انسان نسبت به محیط بوده است. این الگو توانسته با به نظم کشیدن عناصر طبیعی نظیر محورهای آب، درختان و گیاهان در کنار عناصری مصنوعی چون کوشک و دیواره‌ها، بیکرانگی‌گزینش‌شده‌ای در منظر ایرانی شکل دهد که موجودیتی قدسی دارد، گویی زمین را به آسمان دوخته است (منصوری، ۱۳۸۴). ایرانیان از دیرباز باغ را نمادی از بهشت می‌پنداشتند و باغ ایرانی از همین الگو بهره برده و نمادی از هم‌پیوندی انسان و طبیعت است (ویلبر، ۱۳۴۸). باغ ایرانی به‌عنوان گونه‌ای از معماری منظر، از مهم‌ترین سبک‌های باغ‌سازی جهان به‌شمار می‌رود که در طراحی فضای سبز شهری، توسعه شهر و ایجاد یک اکوسیستم در شرایط محیطی و جغرافیایی حاد نقش اساسی داشته است (انصاری، ۱۳۷۸). در گونه‌های مختلف باغ ایرانی که با توجه به مواردی از قبیل اقلیم و شرایط جغرافیایی، کاربری و تفاوت‌های کالبدی از هم قابل تفکیک‌اند، شاخصه‌های مشترکی یافت می‌شوند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به هندسه حاکم بر ساختار باغ، محصوریت، نظام هدایت و جریان آب و نظام کاشت گیاهان اشاره کرد (مصطفی‌زاده و انصاری، ۱۳۹۱: ۵). باغ ایرانی پدیده‌ای فرهنگی، تاریخی، کالبدی در سرزمین ایران است و معمولاً به‌صورت محدوده‌ای محصور که در آن گیاه، آب و ابنیه در نظام معماری مشخصی با هم تلفیق می‌شوند و محیطی مطلوب، ایمن و آسوده برای انسان به‌وجود می‌آورد، ساخته می‌شود (شاهچراغی، ۱۳۸۵: ۴۱). باغ ایرانی پیوند فرخنده زیبایی و سودمندی است (پیرنیا، ۱۳۷۳: ۴). باغ ایرانی فضای آرامش و آسایش و محل غور و اندیشه، تعریف می‌شود. به بیانی دیگر باغ ایرانی فضایی است که با ترکیب معمارانه ساختارهای مصنوعی و طبیعی مانند آب و گیاه، معنایی روایی و خیال‌پردازانه را محسوس می‌کند. این پدیده در دو زمینه ماده و معنا و نیز پیوند این دو حیطه به یکدیگر قابل بازخوانی، بازاندیشی و بازشناسی است زیرا عرصه گسترده ای از مفاهیم، معانی، کاربری‌ها، تکنیک‌ها، فنون و... را دربر گرفته است (میرفندرسکی، ۱۳۸۳: ۱۰). باغ ایرانی می‌خواهد گزارشی از بهشت باشد و تفاوت ندارد که در محیط خشک باشد یا در محیطی با طبیعت زیاد (بهشتی، ۱۳۸۳: ۹). باغ در تاریخ گذشته ایران به‌مثابه تمثیلی از کیهان به بازسازی رخداد کیهانی و زایش دوباره جهان مینویی پرداخته است (دادبه، ۱۳۸۳: ۳۰). باغ‌ها به بیانی، روح و مظهر طبیعت تلقی می‌گردند و در سرتاسر گیتی به‌مثابه رجعتی به اعتقادات باطنی است (خوانساری و همکارانش، ۱۳۸۳: ۱۴۹). باغ ایرانی از هر رده‌ای که باشد، در دو زمینه اصلی نقش‌آفرین است: از یک سو در خدمت روزمره به آدمیان به‌جهت استفاده از موهبت‌ها است و از سویی دیگر، تمامی شاخص‌های یک پیام کائناتی را داراست. سوی نخست، نمایی «این جهانی» دارد و سوی دوم، نمایان‌کننده فضای «آن جهانی» است (فالامکی، ۱۳۹۱: ۸).

۴-۲- ماندگاری

گریستوفر الکساندر در بیانی رمز ماندگاری را «کیفیت بی‌نام» می‌نامد و دست‌یافتن به آن را «آیین جاودان» برمی‌شمرد. این کیفیت از دل تاریخ و فرهنگ می‌روید ولی هرگز در گذشته محبوس نشده و از این روست که جاودان است. همان‌طور که شعر حافظ به علت توجه به مفاهیم و دردهای مشترک انسانی و قابل توجیه و تفسیربودن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف زنده و جاودان است. از نظر او ماندگاری «بی‌زمان بودن اثر» است که بر ذهن مخاطب خود تأثیر می‌گذارد و در ذهن او جاودانه می‌شود. از دیدگاه وی برای جاودانه‌بودن اثر، کالبد خاصی مورد نیاز نیست. او یک حوض ساده در وسط یک باغ دورافتاده را جاودانه می‌خواند، زیرا برای وی در یک لحظه خاطرهای شیرین ایجاد کرده که اکنون نیز شیرینی آن را در هر بار یادآوری آن صحنه احساس می‌کند (الکساندر، ۱۳۸۶: ۸). در تعریفی از واژه ماندگاری پاکزاد (پاکزاد، ۱۳۸۲: ۱۰۸) بیان می‌کند که ماندنی، یعنی آنچه که بتواند باقی باشد و تداوم یابد. در نهایت علی‌رغم آن که در واقعیت نمی‌توان معنا، کارکرد و کالبد یک پدیده را از هم تفکیک کرد؛ ماندگاری در هر سه آن‌ها قابل بررسی است. ایشان از قول لینیچ (۱۳۷۶) ماندگاری را این‌گونه تعریف می‌کند: «میزان مقاومت عناصر یک شهر در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی». رایت هم در بیان ویژگی آثار معماری از واژه هویت استفاده کرده و آن را راز «ماندگاری و جاودانگی» آثار معماری می‌داند. جاودانگی یک اثر معماری چیزی است که نمی‌توان آن را با کمبودهای فیزیکی، آموزش علمی و عملی صرف فروکاست و آن را با قاعده‌های گردآوری شده از دیگران فراگرفت و به دیگران آموخت. ریشه این که گاه، معماری امروز را، بریده از آسمان و در مانده بر زمین و گاه سرگشته و بحرانی معرفی می‌کنند، نبودن

«معنی» در معماری و جایگزینی «خود فانی و غیر جاویدان» به جای «خدای ابدی و جاویدان» است (نقره‌کار و همکارانش، ۱۳۸۸: ۴۲). نقره‌کار معتقد است معماری ایرانی با ویژگی‌هایی که مرحوم پیرنیا از آن معرفی می‌کند به معماری ماندگار نزدیک باشد. اصولی همچون مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبستگی، که همان کلیدواژه‌های جاودانگی یک اثر است. اساساً در سخن پیرنیا هیچ زبان شکلی از معماری سنتی وصف نشده و به‌خوبی چهار اصل عقلانی و کلی که در همه معماری‌های پایدار حتی به مدرن‌ترین شکل آن قابل اجرا است، مطرح شده است (نقره‌کار و همکارانش، ۱۳۸۸، پیرنیا، ۱۳۸۲). با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده در این بخش، در معماری ایرانی آنچه سبب ماندگاری بنا می‌شود؛ توجه به ابعاد معنوی و نمود اعتقادات و فرهنگ مردم جامعه در معماری است که با حضور انسان تکامل می‌یابد و در ورای زمان ماندگار می‌گردد. انگاره‌های معنوی و وجود فضای روحانی به همراه ویژگی‌های فرهنگی و توجه به حضور مؤثر انسان در فضا، در معماری یک بنا می‌تواند در ماندگاری بنا مؤثر باشد. بنابراین برای دستیابی به یک معماری ماندگار باید اندیشه‌ای عمیق وجود داشته باشد (یاراحمدی و همکارانش، ۱۴۰۱: ۸). پاسخگویی به نیازهای زمانی و مکانی، توجه به آداب و رسوم، معنا و کالبد بنا، در نهایت می‌توان به‌طور خلاصه تا به اینجا نتیجه گرفت علاوه بر مسائلی که امروز از عوامل مهم در ساخت بنا مطرح است، مسائل و مفاهیم دیگری نیز وجود دارند که باید به آن‌ها هم توجه لازم را مبذول داشت تا بتوان یک معماری ماندگار هم از لحاظ کالبدی و هم از لحاظ معنایی بوجود آورد. بنابراین برای شناخت ویژگی‌های یک اثر ماندگار، ورای بررسی کالبد مادی، نیاز است تا راز و رمزهای پنهانی که در قالب فرهنگ جامعه، احترام به طبیعت و پاسخگویی به نیازهای روزمره انسان، در معماری تجلی یافته‌اند را شناخت. به‌عبارت دیگر، علاوه بر بررسی کالبد بنا، باید آنچه را که به معماری، معنا می‌بخشد و باعث زنده ماندن ابنیه می‌شود؛ مورد بحث و مطالعه قرار گیرد (شفیعیان‌دربانی و همکارانش، ۱۳۹۳: ۳۶).

۴-۳- تعریف ماندگاری و معیارهای آن

با بررسی ادبیات موضوعی و دیدگاه‌های نظریه‌پردازان موجود در زمینه ماندگاری و ویژگی‌های اصلی ذکر شده در تعریف این واژه یا واژه‌های مشابه آن از قبیل معماری بی‌زمان یا جاودانگی در معماری، معیارهای متفاوتی بدست آمده که با توجه به ماهیت آن‌ها و این‌که چه ویژگی را وصف می‌کنند به پنج گروه طبقه‌بندی می‌شوند و نتیجه در جدول ۱ آورده شده است. با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته می‌توان به این نتیجه رسید که ماندگاری یک پدیده دارای سلسله‌مراتب متفاوتی است که از جنبه‌های عینی و کالبدی آغاز می‌شود، عملکرد، ایستایی، مقاومت از ویژگی‌های آن بوده که به آن «دوام» گفته می‌شود. در سطح بعدی توجه به ویژگی‌های محیطی، اهمیت بستر طرح و هماهنگی با اقلیم مطرح می‌شود که «سازگاری» نام دارد. در سطح سوم این سلسله‌مراتب توجه به جنبه‌های انسانی مورد تأکید قرار گرفته و ابعاد اجتماعی و فرهنگی جامعه مطرح می‌شود. در تعریف‌های اخیر «پایداری» نیز توجه به این ابعاد مورد بحث است. زیرا می‌توان گفت پایداری «شرط لازم و نه کافی» برای رسیدن به ماندگاری است. رأس هرم سلسله‌مراتب «ماندگاری» که وجه شاخص آن نیز از پایداری می‌باشد، توجه به جنبه‌های ذهنی، معنایی و زیبایی‌شناسانه است. در واقع می‌توان گفت داشتن پیوند ذهنی-معنایی با پدیده، عامل ماندگاری آن محسوب می‌شود (یاراحمدی و همکارانش، ۱۴۰۱: ۹).

جدول ۱- معیارهای ماندگاری در معماری و منظر از دیدگاه نظریه‌پردازان (مأخذ: یاراحمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۹)

| | معیارهای ماندگاری | | | | | | |
|---------|-----------------------------------|----------|------|------|---------|----------|--------|
| | نظریه‌پرداز | الکساندر | رایت | لینچ | پورجعفر | نقره‌کار | پیرنیا |
| معنایی | معنویت | | | | + | | |
| | توجه به سنت الهی در خلق عالم | | | | | + | |
| | کیفیت بی‌نام | + | | | | | |
| | عمل با اخلاص و تهذیب | | | | | + | |
| | عاری بودن از نفسانیت و خودمحوری | + | | | | | |
| فرهنگی | هویت | + | + | | | | |
| | تداوم تاریخی و توجه به کهن‌الگوها | | | | + | | |
| | سازگاری با الگوهای فرهنگی | | | | | | |
| | وحدت درونی (تعادل و سازگاری) | + | | | | | |
| اجتماعی | پرهیز از بیهودگی | | | | | + | |
| | توجه به انسان و نیازهایش | | | | + | + | |
| | سرزندگی و نشاط | + | | | | | |

| | | | | | | | |
|--------|--|--|---|---|---|---|------------------------------------|
| | | | | | | | مردم‌واری |
| اقلیمی | | | | | | + | خودبان، خودبسا و خودآفرین |
| | | | + | + | | + | احترام به طبیعت و سازگاری با اقلیم |
| | | | | | | | خودبسندگی |
| کالبدی | | | | + | | | نوآوری و منحصربه‌فردبودن |
| | | | | | + | | مقاومت در مورد فرسودگی و زوال |
| | | | | | + | | توانایی فعالیت طی دوره طولانی |
| | | | | | | + | کامل و آزاد (سیال) |
| | | | | | | + | نیارش |

همچنین باید توجه داشت لازمه دست یافتن به ماندگاری نگاه کل‌نگر به تمامی این ابعاد و جنبه‌های سطوح زیرین نیز هست
 شکل ۲.



شکل ۲- سلسله مراتب ماندگاری (مأخذ: باراحمدی و همکارانش، ۱۴۰۳: ۱۰)

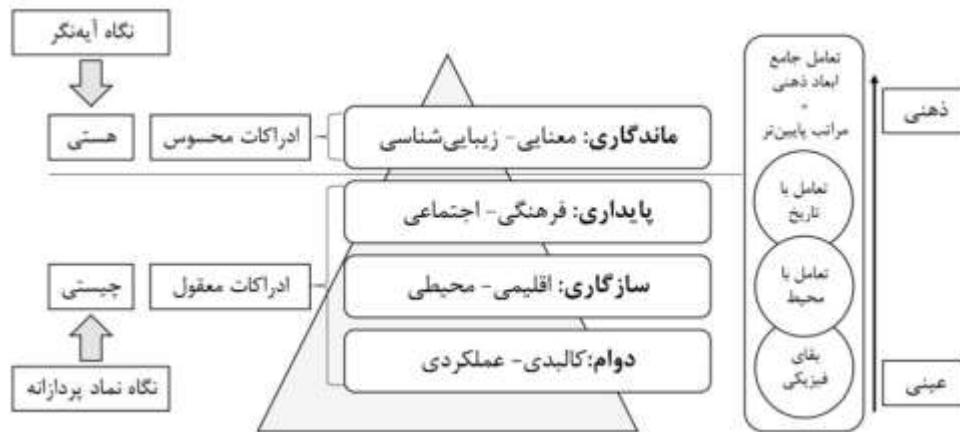
مؤلفه‌های کالبدی-عملکردی، محیطی-اقلیمی، فرهنگی-اجتماعی و در رأس آن‌ها معنایی-زیبایی‌شناسانه سلسله‌مراتب تعریف شده برای ماندگاری هستند و همان‌طور که در شکل ۳ دیده می‌شود ماندگاری زمانی حاصل می‌شود که تمام لایه‌ها در کنار یکدیگر فعالیت کنند.

۳-۳-۴- دوام (کالبدی-عملکردی): این مؤلفه که در پایین‌ترین سطح از ماندگاری قرار دارد متوجه بقای فیزیکی پدیده یا محصول است. مباحث کالبدی، استحکام و ایستایی در رابطه با آن مطرح شده‌اند و بیش‌تر جنبه‌های عینی پدیده را شامل می‌شود. ۳-۳-۴- سازگاری (اقلیمی-محیطی): این سطح از ماندگاری نیز حاصل تعامل پدیده یا محصول با محیط و جغرافیا می‌باشد. مباحث محیط زیستی که یکی از دغدغه‌های دنیای امروز و مباحث پایداری نیز هست، در این سطح مطرح می‌شود. جنبه‌های عینی نیز در همین لایه دارای نقش پررنگی هستند.

۳-۳-۴- پایداری (فرهنگی-اجتماعی): در سطح بعدی ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی مطرح می‌شوند پایداری در صورت تعامل صحیح پدیده با تاریخ (جامعه، دین و...) حاصل می‌شود. شرط لازم برای رسیدن به این مرحله، داشتن لایه‌های زیرین یعنی دوام و سازگاری است. مباحث ذهنی نیز علاوه بر جنبه‌های عینی در این سطح مطرح می‌شوند. مؤلفه‌های فرهنگی-اجتماعی، در تعامل با جامعه تبدیل به رفتار، آیین و الگو می‌شوند و در قالب قواعد اجتماعی و دستورات عمومی حضور می‌یابند. پذیرش جمعی آن‌ها مبنی بر ضرورت آن‌ها می‌باشد مگر این‌که این مؤلفه‌ها ناشی از اعتقادات جامعه باشند. این سه سطح از ماندگاری با نگاه نمادپردازانه به چیستی پدیده یا محصول می‌پردازند و توسط ادراکات پسندیده درک می‌شوند.

۳-۳-۴- ماندگاری (معنایی-زیبایی‌شناسی): بالاترین سطح از هرم سلسله‌مراتب ماندگاری زمانی حاصل می‌شود که بین ابعاد ذهنی و مراتب پایین‌تر تعامل جامعی برقرار شود. این سطح از ماندگاری که بر جنبه‌های ذهنی و معنایی تأکید دارد، توسط ادراکات آشکار درک شده و با نگاه آیه‌نگر به هستی پدیده یا محصول می‌پردازد. مؤلفه معنایی-زیبایی‌شناسانه ناشی از ادراک افراد است و هیچ فردی قبل از درک آن معنا، آن را نمی‌پذیرد و اجبار برای رعایت قاعده در میان نیست، در واقع در لایه معنایی و ذهنی اختیار با فرد است. هنگامی که این نوع زیبایی‌شناسی که حامل معنای تاریخ و ذهنی است و به‌عنوان چارچوب صورت یافته امر معنوی که خود به‌صورت مجرد قابل درک نیست از درون جامعه مورد باور قرار بگیرد، عامل ماندگاری می‌شود. در زمینه نقش نظام کاشت در ماندگاری باغ ایرانی نیز می‌توان همه این مراتب را مورد تأیید قرار داد. در باغ ایرانی، گیاه با خالقیت و نوآوری و با جلوه‌های متنوع در باغ حضور دارد و درختان نه تنها در باغ‌های ایرانی با روش‌های خلاقانه طراحی و کاشته می‌شوند و میوه و محصول می

دهند بلکه سایه، طراوت و خنکی را نیز فراهم می‌کنند و باغ را در طول تاریخ تضمین کرده‌اند، خرداقلیمی متفاوت با بستر خود نیز برای آسایش ساکنین فراهم کرده است و حداکثر بهره‌وری را از آن داشته است. در طول تاریخ چه دوران قبل و چه دوران بعد از اسلام، استفاده از گیاه در باغ هم‌راستای باورها، اعتقادات و آیین‌های انسان ایرانی بوده است و در آن به فعالیت‌های اجتماعی پرداخته است. زیبایی حضور گیاه ناشی از وجود معنای ذهنی آن است و در واقع این معناست که به صورت ظاهری باغ قاعده بخشیده است. این زیبایی که مظهر امر معنوی مستتر در آن است در ضمیر ناخودآگاه انسان ایرانی مورد پسند قرار می‌گیرد. در باغ ایرانی مانند معماری ایرانی هیچ چیز بی‌مورد و یا فقط برای زیبایی (کالبدی) وجود ندارد. آنچه مفید و لازم است، زیبا عرضه می‌شود و جلوه‌ای از کمال و جمال دارد. از آنجایی که جمال بسته به مرتبه کمالی انسان درک می‌شود، می‌توان گفت درک کیفیات و زیبایی حضور گیاه در باغ ایرانی برای هر فردی متناسب با مراتب وجودی‌اش اتفاق می‌افتد و این امر مصداق عبارت «عوام می‌فهمند و خواص می‌پسندند» است (یاراحمدی و همکاران، ۱۳۰۱: ۱۲-۱۳).



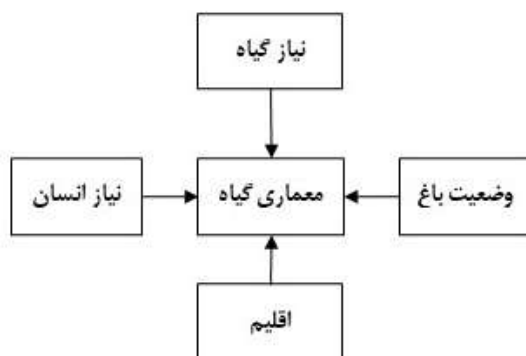
شکل ۳- تحلیل جنبه‌های عینی و ذهنی در ماندگاری (مأخذ: یاراحمدی و همکارانش، ۱۳۰۳: ۱۳)

۴-۴- نظام‌های کالبدی باغ ایرانی (گونه شناسی باغ ایرانی)

کالبد تمامی باغ‌های تاریخی شکل‌یافته از سه نظام کاشت، آب و بناها (یا استقرار معماری) است که این نظام‌ها متناسب با شرایط اقلیمی و فرهنگی هر سرزمین نسبت به سرزمین دیگر متغیر است. پیش از این ساختار هندسی به عنوان نظام تلفیق عناصر طبیعی و مصنوعی که در نظام‌های کالبدی، باغ، ساماندهی می‌شوند، بررسی شد. این نظام ساختاری لایه‌های نظام گوناگون طبیعی و مصنوعی را با یکدیگر تلفیق می‌کند. در واقع کالبد باغ و کیفیت فضای آن نتیجه نحوه تلفیق نظام‌های آن است. باید گفت در ... ترتیب‌دادن و ایجاد فضای باغ ایرانی، برای داشتن روشنی و وضوح، ریاضی به کار گرفته می‌شود. باغ ایرانی با حصار در شکل مستطیل محصور می‌شود با محورهای عمود بر هم و موازی با اضلاع حصار تقسیم‌بندی می‌شود و در شکل‌یابی نظام استقرار (سازمان فضایی) باغ زمینه هندی مربوط به دیگر نظام‌ها، از جمله نظام آبیاری، نظام کاشت، نظام معماری و نظام منظری فراهم می‌شود. به بیانی دیگر نظام ساختاری باغ ایرانی، زمینه‌هندسی تلفیق عناصر طبیعی و مصنوعی را در باغ پدید آورده که عناصر طبیعی را با توجه به نظام‌های کاشت و آب سازمان‌دهی می‌کند و عناصر مصنوعی و ابنیه در نظام استقرار معماری معین می‌شوند (میرفندسکی، ۱۳۸۳: ۱۰).

۴-۴-۱- گیاهان در باغ ایرانی

گیاهان را می‌توان در پدیده باغ‌سازی، باغ‌های اصیل ایرانی به دو گروه کلی تقسیم کرد که عبارت‌اند از: ۱- «گل‌های تزئینی» و ۲- «درختان سایه‌دار و درختان میوه»، بیان نمود که با وجود گیاهان و درختان در کنار یکدیگر با پدیدار گشتن و تلفیق آنان با هندسه و اشکال ساده و منحصر به فرد با سایر عناصر تشکیل‌دهنده یک منظر زیبا با زیبایی‌شناسی - زیبایی‌شناختی، زیبایی‌های بهشتی برای رشد و کمال انسان به وجود آورده است. (شاطری و ایقان، ۱۳۹۹: ۵۳).



شکل ۴- طرح واره تعریف معماری گیاهی باغ ایرانی (مأخذ: بمانیان، تقوایی، شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۹)

۴-۲- نظام کاشت در باغ ایرانی

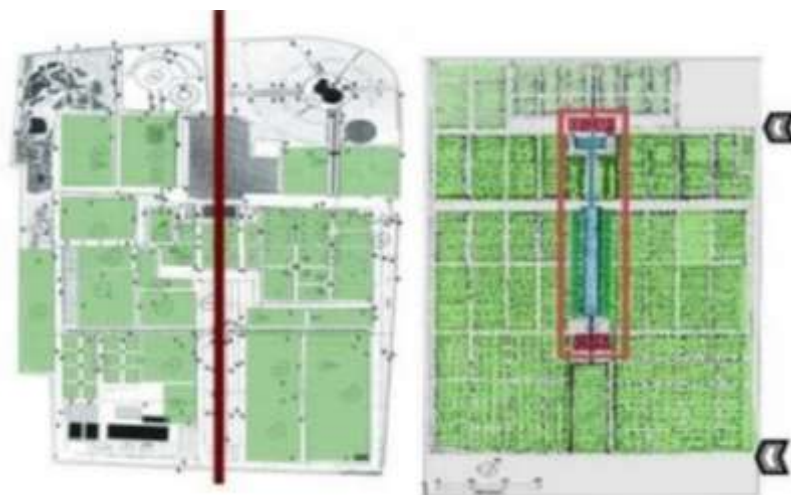
نظم کاشت درختان و گیاهان در باغ ایرانی علاوه بر آن که باغ ایرانی را مبدل به پاسخی مناسب به ویژگی‌های اقلیمی و جغرافیایی سرزمین ایران کرده، کیفیت ویژه‌ای به کالبد و فضای باغ ایرانی بخشیده است، موجب پدیدارشدن نظام‌هایی چون نظام سایه و نظام منظر به مثابه نظام‌های متمایز نسبت به نظام‌های فضایی بازشناسی شده در باغ‌سازی دیگر تمدن‌ها شده است. نظام کاشت باغ ایرانی، هم موثر بر نظام ساختار هندسی و هم متأثر از آن است. زیرا از یک سو دیدگاه کاربردی، شیوه‌های کاشت و کشاورزی را سبب پیدایش ساختار هندسی می‌داند و از دیگر سو نظام کاشت نیز متأثر از این هندسه است به طوری که کاشت درخت و گیاهان در باغ ایرانی با در هم تنیدن هندسه یاد شده و نظام آب و ویژگی‌های شناخته شده‌ای یافته است. کرت‌ها براساس نظم منطقی، وسعت و گستردگی هماهنگ، رعایت جهات جغرافیایی و مشخصات محیطی، استفاده بهینه از آفتاب، پایداری در برابر باد، رویارویی با بیشینه و کمینه حرارت، راحتی داشت و فراوانی برداشت، تأمین محیط آرام و مصفا، ایجاد تنوع مطبوع و برقراری زیبایی پویا، افزاز می‌شوند. مکان کاشت هر گونه‌ای از درختان، گل‌ها یا گیاهان دقیقاً مشخص است (ابولقاسمی، ۱۳۷۱: ۲۷۸).

جدول ۲- نمادشناسی درختان در باغ ایرانی (مأخذ: بمانیان، تقوایی، شهیدی، ۱۳۸۶: ۱۰۶)

| | |
|--------|---|
| سرو | مرگ و جنازه |
| چنار | شکوه و تعلیم |
| کاج | راستی، عمودبودن، حیاتی، باروری، قدرت شاخص، سکوت |
| تبریزی | مظهرین، یانگ ویال قمری و شمسی |
| توت | مظهر جدیت، اطاعت و زندگی |
| انجیر | باروری، زندگی، صلح و کامیابی |
| سیب | عشق، صلح و توافق، الوهیت و معرفت |

۴-۳- شیوه کاشت درختان و نوع درختان

کاشت درختان متناسب هر اقلیم در باغ ایرانی نظام ویژه‌ای دارد. این نظام‌ها براساس شیوه آبیاری درختان مثمر یا بی‌بار را متناسب با فاصله مورد نیاز در اطراف هر یک از انواع آن‌ها در کنارهم قرار می‌دهد و به این ترتیب از نظر شکلی، احجام سبز در باغ مستقر می‌شود. بررسی‌ها در این تحقیق نشان داد دو نوع شیوه کاشت در باغ‌های ایرانی با طرح گسترده، شناسایی شده است (شاهچراغی، ۱۳۸۵: ۶۶). اول شیوه کاشت درختان به موازات هم و با فاصله معین درون کرت‌هاست. در باغ هنگام کاشت درخت، نخستین گام، دقت در تعیین فاصله محل کاشت از هر طرف بود و به این ترتیب مربع‌هایی شکل می‌گرفت که از هر طرف که نگاه می‌کردند، ردیف درختان را می‌دیدند. فاصله بین درخت‌ها بسته به نوع درختان مثمر یا بی‌بار متفاوت بود (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۵). این شیوه در انطباق با شیوه آبیاری و تشکیل نظام شاخه‌ای بهترین کاربرد را دارد، براساس بررسی‌هایی که اخیراً در طبیعت انجام شده، نظام شاخه‌ای بهترین شرایط را برای ارتباط بین منبع تغذیه و تغذیه گیرنده به وجود می‌آورد که مشتمل بر ترکیبی از بازوها و گره‌ها با زوایای ۱۲۰ درجه به هم متصل هستند. این نوع اتصال منطقی‌ترین و اقتصادی‌ترین شیوه رشد و پیمایش در فضا است که از کم‌ترین مفصل، بیش‌ترین استفاده از هر مفصل (دو یا سه بازویی و ندرتاً یک بازویی است) و کم‌ترین مسافت طی شده در فضا برخوردار است (نقل از دیبا و انصاری، ۱۳۷۴: ۲۶).



شکل ۴- شیوه کاشت درختان در باغ ایرانی (مأخذ: دیبا و انصاری، ۱۳۷۴)

به این ترتیب در هر یک از کرت‌های مربع شکل شبکه‌ای از درختان مستقر می‌شد و در هر رأس کرت‌های اصلی یک درخت از گونه‌ای که عمر طولانی‌تر داشت می‌کاشتند و سپس این مربع‌ها به مربع کوچکتری تقسیم می‌شد و در هر رأس آن درختانی با عمر متوسط غرس می‌شد.



شکل ۵- نظام کاشت گیاهان در باغ ایرانی، باغ گلشن طبس (مأخذ: خوانساری، یآوری و مقتدر، ۱۳۸۳)

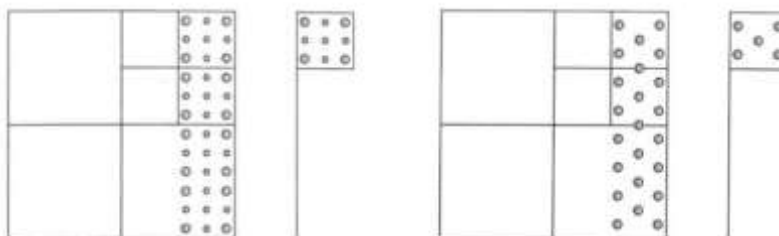
این نظم از نظر عملکردی و تأثیر در نظام منظر منتج از نظام کاشت بسیار موثر است زیرا این نظام کاشت موجب می‌شود در اثر گذشت زمان و تا زمان جایگزینی احتمالی، درختان از بین رفته، شکل کلی باغ از نظر بصری و کیفیت فضایی از بین نرود و ناگهان قسمت اعظمی از باغ خالی نشود و همچنین امکان نورگیری منظم همه درختان فراهم شود (شاهچراغی، ۱۳۸۵: ۶۶).

جدول ۳- گونه‌ها و مکان کاشت درختان در باغ ایرانی، استخراج و تدوین (مأخذ: شاهچراغی، ۱۳۸۵)

| ردیف | گونه‌ها بر اساس کارکرد | مکان کاشت | نمونه‌هایی از اقلیم ۴ گانه |
|------|------------------------|---|--|
| ۱ | درختان سایه افکن | دو طرف محورهای اصلی و محورهای میان کرت‌ها | سرو، چنار، سپیدار، سفیدار ترکستانی، عرعر سمرقندی، تبریزی، زبان گنجشک، کبوده، شنگ، شونگ، اشن، قره آغاچ. |
| ۲ | درختان با جذب آب زیاد | در جایی که آب زیاد باشد مثل مظهر آب اما نه کناره دیواره حوض | بید معمولی، بید عرقی، بید سرخ، گل بید (بیدمشک)، بید مجنون (بید شوریده) |

| | | | |
|---|--------------------------------------|--|---|
| ۳ | درختان بی بار (بی ثمر) | کنار دیوار باغ | سپیدار، کیودار، زبان گنجشک، گاهی عناب و سنجد |
| ۴ | درختان با نیاز به حفاظت در برابر باد | در گوشه باغ و مکان‌هایی که احتنا و شکست دارد | درخت انجیر، توت، (در پناه بیش‌تر، میوه بیش‌تری می‌دهد). |
| ۵ | درختان میوه | درون کرت‌ها به طور جداگانه | نمونه‌ها: زردآلو، زیتون، بادام، شفتالو، شلیل، انار (در جاهای خشک و بی آب در کرت‌ها) امرو، به، سیب، آلبالو، آلو بخارا، انجیر، جوز، سنجد، عناب، خرما، توت، فندق، شاتوت، گیلاس، گردو، آلو سیاه، آلو زرد، هلو، گلابی، گلابی نطنزی، گلابی دبه‌ای، گلابی چغندری، گلابی پیر بدایغی، توت قزوینی، توت شمیرانی، توت بیدانه، شاه توت، توت سیاه، انگور پیاده (داخل کرت)، انگور سواره (داربست)، گردو و بادام در قطعات بزرگ |

شیوه دوم کاشت درختان در باغ ایرانی، نظام کاشت ۵ نقطه‌ای است به این ترتیب که در هر شکل مربعی، چهار درخت در گوشه‌ها و یکی در مرکز کاشته می‌شود. بنابراین نظام ردیف‌های درختان به موازات هم قرار گرفته اما یک ردیف در میان درختان رو به روی هم قرار نمی‌گیرند. به این صورت درختان تنها در ردیف‌های فرد و یا فقط در ردیف‌های زوج رو به روی هم کاشته می‌شوند. شکل ترسیم شده در این باره گویاتر است.



شکل ۶- شیوه کاشت پنج نقطه‌ای (مأخذ: شاهچراغی، ۱۳۸۵)

این شیوه علاوه بر آن که تمام ویژگی‌های شیوه اول را دارد، منظر انبوه‌تری از درختان پدید می‌آورد و نشان‌دهنده آن است که چگونه انسان ایرانی با هوشمندی در مناطق کویر و لم یزرع ایران که فراهم آوردن آب دشوار است با ابداع این شیوه کاشت، فضایی لذت‌بخش را می‌آفریند. همچنین هر محل از باغ به گونه گیاهی و درخت خاصی اختصاص داشته که ایرانیان بر اثر قرن‌ها تجربه به دست یافته‌اند. این اطلاعات به خصوص شامل: گونه‌های گیاهی هر منطقه، هم‌زیستی گیاهان مختلف در کنار هم و تعیین درختانی که در مقابل هوای خشک بیرون باغ به عنوان فیلتر بهتر مقاومت می‌کنند می‌باشد (دببا و انصاری، ۱۳۷۴: ۴۱۹). برای این اساس و اظهار نظر متخصصین دو تیپ «گونه» کلی درخت در سیستم‌های آبیاری فوق‌الذکر به عمل می‌آیند: در حاشیه جوی‌های آب و در باغچه‌ها در حاشیه جوی‌ها آب درختانی که عمدتاً سایه‌دار هستند مانند سرو، چنار و بید و... به علت جریان آب دائم، محیط مناسب‌تری را برای رشد دارند و در باغچه‌ها و درختانی که دارای ریشه‌های گسترده بوده و باید به صورت غرقابی آبیاری شوند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱۷۲).

۴-۴-۴- توصیف شکلی نظام کاشت

کاشت در باغ ایرانی نظامی دارد که درختان و گیاهان را از نظر شکلی به سه صورت خطی، سطحی (صفحه‌ای) و حجمی در کرت‌بندی‌ها منظم و مربع شکل مستقر می‌کند و این استقرار در ارتباط و تلفیق مناسب با نظام آبیاری و نظم آب، کیفیات فضایی ویژه‌ای به وجود می‌آورد. در نظام کاشت باغ ایرانی مهم‌ترین اصل آن است که محور اصلی (میان کرت) باغ باید همواره چشم‌اندازی کاملاً گسترده داشته باشد. از این رو در محور اصلی درخت هرگز کاشته نمی‌شود و معمولاً آب نما قرار می‌گیرد و یا گیاهانی کاشته می‌شود که زیاد بلند نشوند و چشم‌انداز را سد نکنند. برای تأکید بر محورهای اصلی باغ و میان کرت‌ها در دو طرف آن دالان سر پوشیده‌ای از درختان کاشته می‌شود. در واقع درختانی بلند و معمولاً ترکیبی از درختان خزان‌پذیر و خزان‌ناپذیر کاشته می‌شود. این دالان‌ها فقط به عنوان راهرو کاربرد ندارند بلکه دید روهای هستند که منظر را ساماندهی می‌کنند (شاهچراغی، ۱۳۸۵: ۶۶).

در محورهای اصلی باغ بیش‌تر از ردیف درختان چنار و سرو استفاده شده است و در موارد زیادی یک در میان چنار و سرو در چهار فصل سال از نظر رنگ برگ‌ها و یا ریزش آن‌ها دارد، در کنار درختان سرو که همواره برگ داشته و سبز رنگ هستند، تنوع زیادی را در رنگ و طرح و حجم باغ ایرانی به وجود می‌آورد بهار و پاییز بسیار زیبایی دارند و در فصل زمستان وجود درختان سرو باغ را سرسبز نگه می‌دارند (دانش‌دوست، ۱۳۶۹: ۲۱۹). معمولاً به دلیل عریض بودن محور اصلی باغ و فاصله میان ردیف درختان دو طرف محور، این سطوح عمودی از نظر بصری به راحتی دیده می‌شود و در طول زمان و رشد درختان (متناسب با نوع درخت)

دالانی سر پوشیده از درختان به وجود می‌آید (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۷). در این صورت انبوهی از درختان فضایی محصور در محور اصلی پدید می‌آورد که معمولاً نور آفتاب نیز از لابلای شاخه‌ها گذشته و کیفیت ویژه‌ای با ایجاد سایه روشن به این چشم‌انداز اصلی رو بروی کوشک می‌دهد (شاهچراغی، ۱۳۸۵: ۷۰).

جدول ۴- نمونه موردی نظام کاشت درختان (مأخذ: صحت و خورسندی، ۱۳۹۴)

| نام باغ | شیوه کاشت درختان | عکس باغ |
|----------------|--|---|
| جهان نما |  |  |
| دلگشا |  |  |
| نارنجستان قوام |  |  |

۴-۵- نظام کاشت و نظام منظر

نظم منظر در باغ ایرانی بسیار متأثر از نظام کاشت است. نظام کاشت بر چشم‌انداز محور اصلی در راستای محل قرارگیری کوشک تأکید می‌کند و به این ترتیب بر جهت دید و حرکت در محور اصلی اهمیت می‌بخشید. ترکیب گونه‌های متنوع درختان در باغ از جمله درختان خزان‌پذیر و خزان‌ناپذیر یا درختان مثمر و درختان بی‌بار همچنین کاشت گل‌ها و گیاهان با تنوع رنگی زیاد ترکیب رنگی متنوعی در فصول مختلف سال به وجود می‌آورد و به نوعی وجه تمایز باغ ایرانی نسبت به باغ‌های دیگر سرزمین‌ها می‌باشد. همچنین این موضوع ترکیب‌های گوناگون از بافت‌های ریز یا درشت را به وجود می‌آورد که هم بر کیفیت بصری و منظر تأثیر می‌گذارد و هم تنوع در حس لامسه. به‌طور خلاصه صورت‌های خطی، سطحی، حجمی نظام کاشت که منتج از شیوه‌های کشت هستند، کیفیت‌های گوناگون بصری در باغ به وجود می‌آورند که عبارتند از:

- ایجاد محصوریت در دید به وسیله‌ی کاشت درختان سایه‌افکن و سایه‌گستر.
- ایجاد دید رو به جای راهرو در محورهای اصلی و فرعی باغ.
- ایجاد تراک مجازی به واسطه‌ی شیوه‌ی کاشت.
- تأکید بر محورهای عمودی با کاشت درختان مرتفع به صورت ردیفی و ایجاد بدنه سبز.
- ایجاد مخروط دید به جای زاویه دید در محورهای اصلی به دلیل کاشت درختان سایه‌گستر (شاهچراغی، ۱۳۸۵: ۷۱).

کاشت انواع درختان بلند و سایه‌افکن براساس نظام ساختار هندسی باغ، نظام متمایزی از سایه و روشن در باغ ایرانی به وجود می‌آورد. هر چند این موضوع پاسخی کاربردی به اقلیم (مناطق گرم و خشک) ایران محسوب می‌شود اما بر کیفیت فضا و کالبد باغ ایرانی تأثیر مستقیم می‌گذارد. در باغ ایرانی (به خصوص در نواحی گرم و خشک) کاشت درختان بلند قامت و سایه‌افکن در محورها ی اصلی باغ به صورت خطی، معابر و دسترسی‌ها را حتی زیر تابش آفتاب سوزان، تحت سایه قرار می‌دهد. به جز محورهای اصلی باغ در اطراف مکان‌های تجمع یا نشستن در باغ نیز درختان سایه‌افکن کاشته می‌شود. در برخی شهرها به این مکان‌های نشستن بنه‌گاه گفته می‌شود که نشیمن تابستانی است «بنه‌گاه» به اهمیت «مکان بودگی» و «حس مکان» در باغ ایرانی اشاره دارد (نقل از پیرنیا، ۱۳۹۲: ۹).

جدول ۵- انطباق شاخصه‌های نظام کاشت در باغ ایرانی با معیارهای ماندگاری (مأخذ: نگارنده)

| معیارهای ماندگاری | شاخص‌ها | نقش نظام کاشت در باغ ایرانی |
|----------------------|---|-----------------------------|
| کالبدی- عملکردی | <ul style="list-style-type: none"> - زیبایی ظاهری - تنوع فضایی - نوآوری و خاقیت | |
| اقلیمی- محیطی | <ul style="list-style-type: none"> - به عنوان عایق حرارتی - دل‌پذیری محیط بیرونی | |
| اجتماعی | <ul style="list-style-type: none"> - تعاملات اجتماعی - عامل ایجاد سرزندگی و جذب افراد - سرزندگی محیط - فعالیت و تفرج در فضای سبز | |
| فرهنگی | <ul style="list-style-type: none"> - هویت و شخصیت فضا - طبیعت‌گرایی - نمای ظاهری | |
| معنایی- زیبایی‌شناسی | <ul style="list-style-type: none"> - آشنایی ذهنی با فضا و دلنشینی - حس تعلق به مکان - خاطره‌انگیزی صدای آب و یادآوری در ذهن - یادآوری در ذهن - زیبایی باطنی - نماد نو شدن عالم و خلقت | |

۵- نتیجه‌گیری

باغ جایگاهی است برای استفاده انسان که حامل ترکیب عناصر معماری، درختکاری، گل‌کاری‌های تزئینی و جلوه‌های گوناگون آب بوده و در رابطه با سلیقه و فرهنگ مردم و شرایط اقلیمی هر سرزمین شکل گرفته است. بسیاری از ارزش‌های باغ ایرانی در دوران‌های مختلف تکامل آن ثابت مانده‌اند که خود نشان از ارزش ذهنی و معنوی آن‌ها نزد ایرانیان دارد. ماندگاری اصل نگاه کل‌نگر به جنبه‌های کالبدی-عملکردی، اقلیمی-محیطی، فرهنگی-اجتماعی و در نهایت معنایی-زیبایی‌شناسانه است. این فرایند از هم‌پوشانی لایه‌های مختلفی حاصل می‌شود که در مرحله اول از امر سخت‌افزاری در جهت دوام (ساخت‌وساز و کارکرد) شروع شده و با محیط و بستر خود سازگار می‌شود. همچنین باید با آداب و رسوم هماهنگ باشد، قوانین را رعایت نماید و مورد اقبال و پذیرش مردم قرارگیرد و پس از شکل‌گرفتن این لایه‌ها، در نهایت باید دارای نظام زیبایی‌شناسانه‌ای باشد که تداعی‌کننده معنای برتر نزد جامعه بوده و بتواند در هر فرد حس و شغف ایجاد نموده و او را با اصل حیات و زیبایی حقیقی پیوند دهد. این مجموعه وجودی به او جمال داده و کمال را نیز میسر می‌کند. حضور گیاه در باغ ایرانی مانند دمیدن روح در جان باغ، آن را به سطحی ارتقا می‌دهد که واجد همه این خواص و کیفیات می‌شود. هماهنگی عادلانه و متعادل بین مؤلفه‌ها منجر به وحدت و مجموعه وجودی آن می‌شود. درخت در باغ ایرانی با هدایت صورت باغ در جهت تداعی معنای مختلف برای هر فرد، او را به کشف و شهود وا می‌دارد و به اصل حیات متصل می‌کند و جلوه‌های جمال و کمال در آن متجلی می‌شود. وجود گیاه در باغ ایرانی مانند آیهای یادآور نوشدن هستی و حقیقت ازلی بوده و حس دلنشینی، شغف و سرخوشی ایجادشده در فرد نیز، انعکاس همین

مواجهه با هستی و ارتباط با عالم بالاست. زیبایی باغ ایرانی به مثابه امر قدسی و هم‌پیوند با خیر و فایده، معلول حضور درختان است. این پژوهش با بهره‌گیری از الگوی باغ ایرانی به عنوان یک کهن الگو در تاریخ معماری ایران، بدنبال یافتن حلقه مفقوده معماری در معماری امروز ایران و بطور ویژه در دید و منظر شهری است. بنابراین این نوشتار با بهره‌جستن از معیارهای طراحی باغ ایرانی در جهت احیای این کهن الگوی تاریخی در فضاهای شهری معاصر گام بر می‌دارد. مسئله لزوم ماندگاری در معماری معاصر و احیای معماری ایرانی است.

منابع

- ابوالقاسمی، لطیف (۱۳۷۱)، «باغ ایرانی»، تهران: سازمان پارک‌ها.
- اردلان نادر و بختیار الله (۱۳۸۰)، «حس وحدت»، ترجمه حمید شاهرخ، تهران: نشر خاک.
- استروناخ، دیوید (۱۳۷۹)، «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تاثیر آن در باغ‌سازی ایرانی»، ترجمه حمید خطیب شهیدی، مجله اثر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، شماره ۲۳-۲۲، صص ۲۶.
- الکساندر، کریستوفر (۱۳۹۶)، «معماری و راز جاودانگی»، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات روزنه.
- امجدیان سونیا و عمرانی‌پور علی (۱۳۹۱)، «واکاوی تجلی کالبدی ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی در شکل‌گیری ساختار باغ ایرانی به عنوان میراث تاریخی-فرهنگی»، اولین کنفرانس بین‌المللی نقش میراث فرهنگی در شکل‌گیری هویت ملی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحدهای شیراز، مرودشت و کازرون)، شماره ۱۶.
- انصاری، مجتبی (۱۳۷۸)، «ارزش‌های باغ ایرانی؛ صفوی-اصفهان» رساله منتشر نشده دکتری معماری، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
- بمانیان محمدرضا، تقوایی علی‌اکبر و شهیدی، محمدشریف (۱۳۸۶)، «بررسی بنیان‌های فرهنگی - محیطی در عناصر کالبدی باغ ایرانی قبل و بعد از اسلام»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۱۱۲-۱۰۴.
- بهشتی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، «غزل باغ»، موزه‌ها، شماره ۴۱، صص ۷-۹.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۷۹)، «کیفیت فضا. آبادی»، شماره ۳۷، صص ۱۱۱-۱۰۰.
- پالاسما، جوبانی (۱۳۸۵)، «تعهد اجتماعی و معمار خودمختار»، ترجمه رسول مجتبی‌پور، مجله معماری و شهرسازی، شماره ۳۸، صص ۲۵-۱۹.
- پورجعفر، محمدرضا (۱۳۸۲)، «جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم»، ماهنامه شهرداری‌ها، شماره ۵۴، صص ۵۴-۵۱.
- پورجعفر محمدرضا، صادقی علیرضا و یوسفی زاهد (۱۳۸۷)، «بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان؛ نمونه موردی: روستای هورامان تخت کردستان»، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۵، صص ۱۷-۲.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۳۷۳)، «باغ‌های ایرانی، گفتگوی فرهاد ابوالضیاء با محمدکریم پیرنیا در سال ۱۳۵۸»، آبادی، شماره ۱۵، صص ۴-۱.
- جیحانی حمیدرضا و عمرانی محمدعلی (۱۳۸۶)، «باغ فین»، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.
- خوانساری مهدی، مقتدر محمدرضا و یآوری مینوش (۱۳۸۳)، «باغ ایرانی بازتابی از بهشت»، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- دادبه، آریاسپ (۱۳۸۳)، «مکتب‌های باغ‌آرایی»، موزه‌ها، شماره ۴۱، صص ۳۴-۳۰.
- دانش‌دوست، یعقوب (۱۳۶۹)، «باغ ایرانی، متن سخنرانی در دانشگاه شهید بهشتی»، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، فصلنامه اثر، جلد ۱۱، شماره ۱۹-۱۸، صص ۲۲۴-۲۱۴.
- دیبا داراب و انصاری مجتبی (۱۳۷۸ الف)، «باغ ایرانی». در مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، جلد دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- دیبا داراب و انصاری مجتبی (۱۳۷۸ ب)، «چگونگی شکل‌گیری ارتباط انسان با محیط مصنوع»، در مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- شاطری وایقان، امید (۱۳۹۹)، «بررسی ساختار باغ‌های ایرانی»، فصلنامه علمی تخصصی معماری سبز، دوره ۶، شماره ۱، جلد ۲، صص ۶۸-۴۵.
- شاهچراغی، آزاده (۱۳۸۵)، «پارادایم‌های پردیس»، نشر جهاد دانشگاهی واحد تهران، چاپ چهارم.
- شفیعیان داریانی فائزه، پورجعفر محمدرضا و قبادی علیرضا (۱۳۹۳)، «مفهوم ماندگاری در معماری اسلامی و مقایسه آن با مفهوم پایداری در معماری معاصر»، فصلنامه علمی-پژوهشی قطب علمی معماری اسلامی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۵۰-۳۲.
- صحت‌پریا و خورسندی سارا (۱۳۹۴)، «بازیابی حکمت کاشت درختان در باغ‌های تاریخی شیراز»، کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ترکیه، استانبول.
- فلامکی، محمد منصور (۱۳۹۱)، «ایرانیان و باغ؛ سرزمین‌های باغ ایرانی»، منظر، دوره ۴، شماره ۲۱، صص ۹-۶.
- لینیچ، کوین (۱۳۷۶)، «تئوری شکل خوب شهر»، ترجمه سیدحسین بحرینی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مسعودی، عباس (۱۳۸۲)، «بررسی دیوار به‌عنوان یکی از اجزای تشکیل‌دهنده باغ ایرانی»، نشریه معماری و فرهنگ، دوره ۵، شماره ۱۴.
- مصطفی‌زاده مصطفی و انصاری مجتبی (۱۳۹۱)، «پاری‌دازا؛ پژوهشی در سنت باغ‌سازی و منظره‌پردازی ایرانی»، تهران: نشریه گسترده.
- مهربانی‌فر مهتاب، رحیمی سحر، افضل‌ی سعدا، امجدیان سونیا (۱۴۰۰)، «واکاوی تطابق معنا و صورت در هندسه باغ ایرانی، نمونه موردی: باغ فین کاشان»، چهارمین کنفرانس بین‌المللی و پنجمین کنفرانس ملی عمران، معماری، هنر و طراحی شهری، با همکاری دانشگاه خوارزمی، دانشگاه شهرکرد، دانشگاه هنر اسلامی تبریز ۳۰ و ۳۱ شهریورماه، صص ۱۰-۱.
- میرفندرسکی، محمدمین (۱۳۸۳)، «باغ ایرانی چیست؟ باغ ایرانی کجاست؟»، در خالصه مقالات نخستین همایش باغ ایرانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ماهنامه موزه‌ها، شماره ۴۱، صص ۱۰.
- نقره‌کار عبدالحمید، حمزه‌نژاد مهدی و فروزنده آيسان (۱۳۸۸)، «راز جاودانگی آثار معماری (تحلیلی بر نگرش‌های نوگرا و فرانوگرا و رویکردهای فراگیرتر)، باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۳۱-۴۴.
- ویلبر دونالد نیوتن (۱۳۸۳)، «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن»، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یاراحمدی سمانه، انصاری مجتبی، مهدوی‌نژاد محمدجواد (۱۴۰۱)، «نقش نظام آب در ماندگاری باغ ایرانی»، مجله منظر، شماره ۶۱، صص ۱۵-۶.